
بحران گاز

سارا ذبیحی

www.ketab.ir

انتشارات
رهاد

سرشناسه : ذبیحی، سارا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور : بحران گاز/ سارا ذبیحی.
مشخصات نشر : تهران: رها، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۲۳۲ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۰-۴-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : گاز - اروپا - صنعت و تجارت - جنبه‌های سیاسی
موضوع : Gas industry - Europe - Political aspects
موضوع : گاز - اروپا - صنعت و تجارت
موضوع : Gas industry - Europe
موضوع : سیاست انرژی - کشورهای عضو اتحادیه اروپا
موضوع : Energy policy - European Union countries
موضوع : گاز - روسیه - صنعت و تجارت
موضوع : Gas industry - Russia
ه. بندی کنگره : HD۹۵۸۱ :
رده بندی دیو : ۳۳۸/۲۷۲۸ :
شماره کتابخانه ملی : ۵۷۵۶۸۹۱

انتشارات
ردیاد

بحران گاز

سارا ذبیحی

ناشر: انتشارات رها
چاپ اول: ۱۳۹۸
چاپ / صحافی: یزدا
قطع و تعداد صفحات: رقعی - ۲۳۲
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
بها: ۵۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۰-۴-۴



نشانی: میدان نامجو (خیابان نامجو)، خیابان گرگان، خیابان عبداللهی، کوچه یونس‌زاده، پلاک ۸، واحد ۱

شماره تماس: ۷۷۵۷۳۱۰۲

فهرست

پیش‌گفتار	۹
بخش ۱: قیمت‌گذاری گاز طبیعی «نگاهی به بازار اروپا»	
پیش‌گفتار	۲۱
مقدمه	۲۳
فصل ۱. تغییر در شرایط قیمت‌گذاری، آسانی رخ نمی‌دهد	۲۵
فصل ۲. بررسی اجمالی وضعیت فعلی	۲۹
فصل ۳. شاخص‌های گاز و نفت چه تفاوسی با یکدیگر دارند؟	۳۳
۱-۳ آیا تفاوتی میان قیمت گاز با شاخص نفتی وجود دارد؟	۳۴
۲-۳ آیا این درمورد آینده اروپا نیز صدق می‌کند؟	۳۴
۳-۳ تلاطم	۳۵
۴-۳ نشانه‌های قیمت: خیلی کم، خیلی دیر؟	۳۷
۵-۳ امنیت عرضه	۳۹
۶-۳ بازگشت بحران	۳۹
فصل ۴. محرکه‌های تغییر شاخص و منافع سهامداران	
۱-۴ مصرف‌کنندگان خانگی	۴۲
۲-۴ مصرف‌کنندگان صنعتی	۴۲
۳-۴ تولیدکنندگان	۴۳
۴-۴ بازیابان شرکت‌های تجاری گاز	۴۴

۴۵	۵-۴ توزیع کنندگان.....
۴۵	۶-۴ تولید کنندگان انرژی.....
۴۵	۷-۴ سوداگران.....
۴۶	۸-۴ دولت ها.....
۴۷	فصل ۵. به کدام جهت حرکت کنیم؟.....
۴۷	۱-۵ گرایش های کوتاه مدت منجر به قیمت گذاری تک محموله ای می شود.....
۴۸	۲-۵ شرط بندی با قیمت تک محموله ای یا شاخص نفتی؟.....
۵۰	۳-۵ قوانین حسابداری نوین و قیمت گذاری گاز.....
۵۰	۴-۵ همگرایی بازارها تاثیر متقابل محرک های برای تغییر؟.....
۵۳	فصل ۶. چشم انداز ارزش بازار.....
۵۵	فصل ۷. نتیجه گیری.....

بخش ۲: مسائل ژئوپلیتیک و عرضه گاز به اروپا (نقش LNG در بازار اروپا)

۶۱	پیش گفتار.....
۶۲	یک بازار LNG در حال تغییر.....
۶۳	جذابیت LNG برای اروپا.....
۶۴	جذابیت LNG برای اروپا.....
۶۹	مقدمه.....
۷۰	ساختارهای بازار جدید.....
۷۱	دولت و بازار گاز.....
۷۳	سیاست خارجی انرژی اروپا.....
۷۴	امنیت انرژی.....
۸۳	فصل ۱. مسائل ژئوپلیتیک مربوط به امنیت عرضه گاز.....
۸۴	۱-۱ جریان های قدیمی گاز، روابط جدید.....
۸۸	۲-۱ ضوابط رقابت.....
۹۱	۳-۱ مبادله گاز و روابط نهادینه شده جدید.....
۹۴	۴-۱ اروپا و روسیه: دسترسی به ذخایر و بازارها.....

۹۶	۵-۱ استراتژی روسیه در بازاری به نفع فروشندگان.....
۹۹	۶-۱ دخالت دولت در تجارت LNG.....
۱۰۲	۷-۱ مدیریت عرضه.....
۱۰۵	فصل ۲. تقاضای گاز طبیعی و LNG در بازار اروپا.....
۱۱۱	فصل ۳. نگاهی به عرضه LNG.....
۱۱۱	۱-۳ ذخایر و منابع عرضه در اروپا.....
۱۱۵	۲-۳ منابع عرضه LNG و موقعیت آن‌ها نسبت به بازار اروپا.....
۱۱۹	۳-۳ مدل‌های تجاری جدید در صنعت LNG.....
۱۲۳	فصل ۴. رقابت‌پذیری اروپا در بازار جهانی LNG.....
۱۲۳	۱-۴ بازارهای صادراتی.....
۱۲۷	۲-۴ رقابت‌پذیری اروپا در زمینه عرضه انعطاف‌پذیر و کوتاه‌مدت LNG.....
۱۲۷	۳-۴ تاثیر LNG از دیدگاه پذیر و کوتاه‌مدت بر امنیت عرضه در اروپا.....
۱۲۹	۴-۴ رقابت‌پذیری اروپا در عرضه بلندمدت LNG.....
	فصل ۵. چگونه LNG می‌تواند در زمینه انتقال گاز به وسیله خط لوله کمک کند؟.....
۱۳۷	۱-۵ LNG نیز با تهدید قطع عرضه روبرو شود.....
۱۳۸	۲-۵ LNG می‌تواند مخاطرات بازار را کاهش دهد.....
۱۳۹	۳-۵ LNG ممکن است قابلیت ارتجاع بازار را افزایش دهد.....
۱۴۳	فصل ۶. آیا در بازار اروپا موازنه بهینه‌ای از خط لوله و NG وجود دارد؟.....
۱۴۷	فصل ۷. آیا اروپا می‌تواند تبدیل به بازار جذاب LNG شود؟.....
۱۴۸	مقررات و شرایط سیاسی.....
۱۵۱	فصل ۸. نتیجه‌گیری.....

بخش ۳: روابط انرژی روسیه - اروپا (تاثیر آن بر سیاست ایالات متحده)

۱۵۷	جمع‌بندی.....
۱۵۸	توصیه‌ها.....

۱۶۱.....	نتایج سیاست‌های انرژی روسیه برای امنیت ملی در اروپا
۱۶۷.....	سیاست ایالات متحده درباره تنوع‌بخشی به انرژی اروپایی
۱۷۰.....	نقش ایالات متحده در سیاست‌های مربوط به خط لوله
۱۷۶.....	نتیجه‌گیری

بخش ۴: تبدیل نقطه ضعف به نقطه قوت (سیاست انرژی خارجه هوشمندانه برای اروپا)

۱۸۱.....	یشرگنار
۱۸۷.....	اصل ۱. تبدیل نقطه ضعف به نقطه قوت: سیاست هوشمندانه انرژی خارجی اروپا
۱۸۷.....	مقدمه
۱۸۸.....	تدوین برنامه جدید
۱۹۲.....	هدف‌های بلند مدت کوتاه مدت
۱۹۴.....	تغییر زمینه بین الملل
۲۳۱.....	نتیجه‌گیری

پیش‌گفتار

هنگامیک در سال ۱۶۸۴ عهدنامه وستفالی، سیستم - دولت‌ها را در قاره اروپا ایجاد کرد، به واقع نقطه عطفی در «دیپلماسی مدرن» قاره سبز ایجاد شد. از این تاریخ بود که دولت‌های شکل گرفته پس از جنگی خونین توانستند برای برطرف کردن مشکلات خود به مذاکره و طریق دیپلماسی بپردازند. گرچه تا انقلاب کبیر فرانسه و حتی پس از آن کناره و بی‌طرفی (۱۷۱۵) انقلاب‌های متعددی در کشورهای اروپایی به وقوع پیوست و نظام سیاسی کشورها در این قاره روز به روز شکل جدیدی را به خود می‌گرفت، اما آنچه که مهم است، دست‌آوردی است که رفته‌رفته فضای بین‌الملل را دگرگون کرده و جنگ‌های خونین جای خود را به دستگاه دیپلماسی می‌داد. کشورهایی که تا پیش از این برای حل بحران به دست‌زنی می‌آوردند، نه تنها منافع مادی و انسانی خود را از دست می‌دادند بلکه روز به روز در نزد جامعه جهانی و اروپا منزوی شده و در سطح بین‌المللی جایگاه خود را از دست می‌دادند. ناپلئون سوم که در سال ۱۸۷۰ باعث شکست فرانسه از پروس با هدایت بی‌سربش شد یکی از نمونه‌های بارز این مدعاست. هیتلر و موسیلینی نیز، علی‌رغم فضای منازع گفتگو، دستگاه دیپلماسی را به فراموشی سپرده و بر طبل جنگ کوبیدند.....

این چنین بود که از نیمه دوم قرن بیستم این دستگاه دیپلماسی بود که با حفظ تمامیت ارضی کشورها، دولت‌ها را به یکدیگر نزدیک کرده و در نهایت ۲۷ کشور این قاره را زیر یک پرچم گرد هم آورده تا با یک واحد پول و منافع سیاسی و اقتصادی

مشترک به عنوان واحدی سیاسی در ادبیات بین الملل نقش آفرینی کند. بدین ترتیب رقابت درونی این قاره به تجمیع قدرت های درونی برای به حداقل رساندن محذورات بین المللی تبدیل شد جایی که «یورو» خیز برداشت تا با پشت سر گذاشتن دلار و پوند تبدیل به واحد ارزی یگانه در سطح جهانی شود.

گرچه تمامی محاسبات این مهم انجام شده بود و اروپا به تاخت پیش می رفت اما در ژانویه ۲۰۰۸ با قطع گاز ارسالی روسیه به اروپا شوک عظیمی به این قاره وارد شد. به وقع مطلب شریان حیاتی انرژی به این قاره به یک باره قطع شد و صنعت، سیاست و اقتصاد حتی خانواده های این قاره دچار سرمازدگی و یخبندان شگفت انگیزی شد، به طوری که نمونه آن کمتر در مناسبات بین المللی دیده شده بود.

از آن سو «ولادیمیر پوتین» که سیاست منحصر به فردی در حوزه انرژی برای روسیه طراحی کرده بود، تنها ابزار قدرتمند را «سلاح انرژی» می دانست. مذاکرات، جلسات، تهدیدها و ... شماری به واسطه این تهدید توسط روسیه انجام شد اما آنچه که مهم و واقعی به نظر می رسید، «انرژی»، به عنوان پاشنه آشیل روسیه برای اروپا تبدیل شد و آینده این قاره تحت الشعاع خود قرار داد. مدیریت راهبردی رهبران اروپا از این لحظه برای حل کوتاه مدت، بلندمدت این بحران فعال شد تا همچون تاریخ خونباری که این قاره پشت سر گذاشته، این بحران را نیز به سلامت از سر بگذرانند. کتابی که پیش رو دارید در چهار بخش تقسیم شده است. بخش اول به قیمت گذاری گاز طبیعی با نگاهی به بازار اروپا، قراردادهای عرضه بلند مدت گاز شامل فرمول قیمتی هستند که در آن قیمت گاز به صورت ارتباط با قیمت کالای دیگری با قیمت لحظه ای گاز در یک بازار مشخص، مشخص می شود. در قاره اروپا، قیمت گاز در قراردادهای بین المللی عرضه بلندمدت، عموماً در ارتباط با تولیدات نفتی است. همزمان بازارهای گاز که در آن قیمت گاز بنا بر عرضه و تقاضا تعیین می شود، در بازارهای مختلف اروپایی رو به گسترش اند. این بخش به این پرسش که تا چه حد شکل سنتی شاخص قیمت نفت بوسیله بازیگران بازار قابل جایگزینی بوده و یا جایگزین خواهد شد، می پردازد. همچنین ملاحظات پیرامون تمایل احتمال بازیگران بازار به یکی از انواع شاخص ها، نیروهای بیرونی که ممکن است بر انتخاب شاخص در کوتاه و بلندمدت اثر گذارند و نتایج تغییر را در نظر می گیرد.

چنین فرض می شود که سیستم قیمت گذاری، بخش بنیادین از یک ساختار بازار

بوده و تغییر به سمت ساختارهای قیمت‌گذاری مختلف تنها وقتی به وقوع می‌پیوندد که بازیگران اصلی متقاعد شوند که نتایج چنین تغییری را درک و بپذیرند. اضافه می‌شود که هیچ‌دلیل نیرومندی وجود ندارد که وضعیت و ترکیب فعلی قیمت‌گذاری گاز، نتواند ادامه یابد. همچنین دلایل قاطعی برای مداخله در ساختار قیمت بازار وجود ندارد. هر دوی این سیستم‌ها، مزایا و معایب خود را در شرایط مختلف بازار داشته و در بازارهای فعلی تا حدودی مکمل یکدیگرند. سختی مخاطرات و ارزش هریک به‌وسیله طرفین معامله، انتخاب‌های مشخص قوانین قیمت‌گذاری و شرایط قرارداد را تعیین می‌کند. از آن مهم‌تر، در بازارهای امروز که در آن عرضه جدید به آرامی صورت می‌گیرد، انتخاب را باید به بخش‌های بازار سپرد، به‌ویژه آنکه به نظر نمی‌رسد فروشندگان و خریداران اختلاف نظری جدی داشته باشند.

بخش دوم: سایل ژئوپلیتیک مربوط به عرضه گاز به اروپا و نقش LNG در بازار گاز این منطقه را ساس می‌نامند. ذخایر جهانی گاز به قدری غنی هستند که تقاضای گاز را در آینده قابل پیش‌بینی (شاید افزایش پیش‌بینی شده تقاضای LNG)، پاسخ دهد. در اینجا مسئله اصلی دسترسی به ذخایر نیست، بلکه روند توسعه و همچنین ظرفیت آن است. به نظر نمی‌رسد ربح‌های ناشی از تلاش‌ها در جهت توسعه در جهان در دو زمینه خط لوله و LNG منطبق با چشم‌انداز تقاضا باشند. در حالی که اروپا از نظر جغرافیایی موقعیت مناسبی برای عرضه جدید داشته و با بخش عمده ذخایر گازی جهان احاطه شده است، توسعه زیادی در عرضه در کشور های تولیدکننده، به‌ویژه با توجه به بازار آنها به استثناء روسیه دیده نمی‌شود. روند ساخت و ظرفیت توسعه LNG با محدودیت منابع (مادی و انسانی) و افزایش پیچیدگی‌های امن و نیز عوامل ژئوپلیتیک، کند شده است. دولت‌های تولیدکننده، استراتژی صادرات LNG خود را بازنگری و شروع به تمرکز بر مدیریت عرضه به عنوان ابزاری جهت تسهیل ارزش منابع خود کرده‌اند. همچنین آنها به اولویت استفاده از گاز به منظور رشد اقتصاد داخلی توجه نموده‌اند. آنها بیشتر ذخایر نفت و گاز جهانی را با شرکت‌های ملی نفت خود، کنترل می‌کنند. این شرکت‌های ملی اغلب برنامه‌ای متفاوت از شرکت‌های بین‌المللی نفت دارند. در نتیجه به نظر می‌رسد بازاری به نفع فروشندگان در زمینه LNG، در آینده‌ای قابل پیش‌بینی داشته باشیم.

در بخش سوم روابط انرژی روسیه و اروپا با نگاهی به تأثیر این روابط در سیاست

ایالات متحده از نظر می‌گذرد. مخاطرات مربوط به امنیت ملی ناشی از سیاست‌های انرژی روسیه تنها در رابطه با وابستگی اروپا به واردات انرژی روسیه معنا می‌یابد. مخاطره اصلی انرژی برای اروپا و به‌ویژه اعضای جدید این اتحادیه، رشد در تأثیر مخرب این وابستگی بر حاکمیت و همکاری دو سوی آتلانتیک دارد. سیاست‌های تفرقه و تسلط مسکو بطور موفقیت‌آمیزی مانع از همکاری بیشتر درون اروپا در زمینه مسایل امنیتی و اقتصادی شده‌اند. همانطور که در این بخش خواهیم دید، این عوامل بر تنش‌های موجود در روابط اروپا-ایالات متحده افزوده‌اند. این موضوع به سیاست‌های ایالات متحده است که به کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (ECE) که وابستگی زیادی به واردات انرژی روسیه داشته و در برابر واردات آسیب‌پذیری بیشتری دارند، کمک کند. بران کرملین که از ۶۰ درصد حمایت افکار عمومی روسیه برخوردارند، تمایل به سیاست دوازه عصر شوروی و یا اثرگذاری بر کشورهای حوزه ECE دارند. در این میان می‌توان به حاکمیت این دموکراسی‌های جدید را در نظر نگرفت. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مقامات روسی در تلاش جهت اعمال نفوذ بر همسایگان نزدیک خود با تردید به ممانعت از ورود محموله‌های نفتی و گازی آنها هستند. این مسئله از اواخر دهه ۹۰ آغاز و با قطع کاملاً سیاسی گاز به اوکراین در سال ۲۰۰۶ تحقق یافت. گسره‌ای از کشورهای اروپای مرکزی در نتیجه خشم مسکو، شامل کشورهای حوزه بالتیک، لهستان، جمهوری چک، اوکراین و گرجستان، هدف قرار گرفته‌اند. هدف و محنت اعظم اروپا تنها وقتی این مسئله را تهدیدی برای منافع خود تلقی کرد که در اواخر سال ۲۰۰۶ اروپای غربی و حوزه بالکان مستقیماً تحت تأثیر قطع گاز ارسالی به این کشورها قرار گرفتند. این آخرین اختلال در انرژی و انتخابات اخیر یک پارلمان و کمیسیون اروپای جدید، فرصتی را برای گفتگوی سودمند میان ایالات متحده، اتحادیه اروپا و روسیه در زمینه مسایل انرژی فراهم آورد. توانایی دولت ایالات متحده در اثرگذاری بر سیاست انرژی اروپایی، تا حد زیادی به مرور زمان کاهش یافته است.

ایالات متحده باید پیرامون توانایی خود در اثرگذاری بر سیاست‌های انرژی در اروپا، روسیه و آسیای مرکزی، واقع نگردد. مطمئناً هیچ سیاست منفردی وجود ندارد که وضعیت «امنیت انرژی» را در اروپای شرقی و مرکزی امنیت بخشد. نوآوری‌های فن آوری و پیشرفت‌های روبه فزونی در کارایی انرژی می‌توانند تأثیر بیشتری در منطقه

نسبت به سیاست‌های دولتی ایالات متحده و یا اروپا داشته باشند. علی‌رغم این، گام‌هایی وجود دارند که ایالات متحده می‌تواند در کمک به رسیدن اروپای مرکزی و شرقی به کارایی بیشتری در انرژی و تنوع بخشی به واردات و احتمالاً کاهش تمایل مسکو به استفاده از صادرات انرژی برای رسیدن به اهداف قهرآمیز، بردارد.

در بخش چهارم و پایانی کتاب نگاهی به مدیریت راهبردی اروپا در تبدیل نقطه ضعف به قوت و بکارگیری سیاست خارجه برای عبور از بحران انرژی را از نظر می‌گذرانیم. مسایل مربوط به سیاست انرژی و مناسب بودن ابزار سنتی جهت حل و فصل آنها، در حال حاضر تحت بررسی است. مهمترین اهداف، بهبود موازنه بین اوله سیاست‌گذاری انرژی برای انتقال به یک ترکیب انرژی پایدارتر و همزمان، ارتقاء امنیت این ترکیب در طول انتقال می‌باشند. توجه کنید که سیاست انرژی اتحادیه اروپا گامی به سوی کاملی از ابزارهای سیاست انرژی را، به‌ویژه آنهایی که به امنیت عرضه مربوط می‌شوند، را دربرنمی‌گیرد. در این رابطه، جعبه ابزار اتحادیه اروپا با گستره ابزار در دسترس کشورهای عضو قابل مقایسه نیست، هرچند این ابزارهای ملی کارایی خود را از طریق همکاری بیشتر بازارهای انرژی در اروپا از دست داده‌اند. حداقل آنکه اتحادیه اروپا و کشورهای عضو باید از این فاصله و قابلیت کشورهای عضو برای غلبه بر این فاصله سیاست‌گذاری، آگاهی داشته باشند.

با اعتراف به فوریت برنامه‌ای برای سرایط آب‌وهوایی و انرژی، تلاش‌های سیاست‌گذاری اتحادیه اروپا، چنانچه در برنامه ۲۰۲۰-۲۰۳۰ آمده، نشان‌دهنده انتقال به ترکیب پایدارتری از انرژی به‌عنوان یک هدف مهم بلندمدت است که مسایل تغییر آب‌وهوایی و امنیت بلندمدت عرضه را درهم می‌آمیزد. البته این سیاستی است که نتایج آن تنها در بلندمدت آشکار می‌شوند. در سیاست‌گذاری انرژی اروپا، باید جایگزینی یافت تا کشورهای عضو بی‌میل را وادار به پذیرش دیدگاه عمومی و معمول اروپا و سزاوار تامین منافع ملی نمود. این روش عملگرایانه در سیاست‌گذاری می‌تواند مسیری در جهت تبدیل نقاط ضعف اروپا در حوزه سیاست خارجی و انرژی به نقاط قوت آن با استفاده هوشمندانه‌ای از تنوع، بصورتی متقارن و مشخص و با دیدگاهی سازمان یافته‌تر باشد. به یاد داشته باشید که اتحادیه اروپا تجربه زیادی در ایجاد همبستگی با استفاده از سازماندهی، هماهنگی و یکپارچگی دارد. این دیدگاه به عنوان دیدگاه «اقتصادی پیوستگی» شناخته می‌شود.